

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۹ فبروری ۲۰۱۲

مقدار ارزش یک کالا

از آنجائی که ارزش یک کالا به وسیله کار به وجود آمده است، مقدار این ارزش نیز به وسیله مقدار کاری که در کالا تجسم خارجی یافته است، اندازه گیری می شود.

تولید کنندگان کالا بسیارند و مقادیر گوناگون کار، صرف تولید کالا های همانند یک دیگر می کنند. بنابراین، میزان ارزش یک کالا نمی تواند به وسیله مقدار کاری که عملاً توسط هر تولید کننده به طور انفرادی روی آن کالا انجام گرفته، اندازه گیری شود.

اگر مقدار ارزش یک کالا، بنابر میزان کاری که توسط هر تولید کننده واقعاً در عمل صرف شده، تعیین گردد، باید ارزش کالا های یکسان، هیچ اندازه واحد و منحصر به فردی نداشته باشد. لیکن در مبادله، کالا های همانند و همسان، ارزش مساوی دارند.

مقدار ارزش یک کالا، نه به وسیله مدت کاری که به صورت انفرادی به وسیله هر تولید کننده صرف شده، بلکه به وسیله زمان کار اجتماعاً لازم برای تولید کالای مورد نظر، تعیین می گردد.

زمان کار اجتماعاً لازم عبارت است از مدت زمانی که برای ساختن یک واحد کالا تحت شرایط اجتماعی متوسط تولید، (تجهیزات فنی متوسط، تخصص و مهارت متوسط تولید کننده و شدت کار متوسط) در رشته تولیدی مورد نظر لازم است.

زمان کار اجتماعاً لازم، پیوسته در تغییر است و در نتیجه میزان ارزش نیز تغییر می یابد. تغییرات زمان کار اجتماعاً لازم، در نتیجه تغییرات بازده تولید کار، به وجود می آید. بازده تولیدی کار به مقدار محصولات تولید شده در یک واحد معین زمان کار، اطلاق می شود. منظور از افزایش بازده تولیدی، به طور کلی هر گونه تغییری است که در روند کار، که میزان کار لازم برای واحد محصول را کاهش دهد.

هرچه بازده تولیدی بیشتر باشد، کمیت محصولات تمام شده که می توان در یک واحد معین زمان ساخت، بیشتر و ارزش واحد کالا کمتر است و بالعکس. هرچه بازده تولیدی کار اجتماعی کمتر باشد، زمان کار اجتماعاً لازم که

برای تولید کالای مورد نظر لازم است بیشتر و ارزش آن نیز افزون تر خواهد بود. بنابراین بازده تولیدی کار و ارزش هر واحد کالا معکوساً متناسب اند.

اگر بازده تولیدی کار افزایش یابد، ارزش واحد کالای مربوطه پائین می آید. به عکس اگر بازده تولیدی کار پائین آید، ارزش واحد کالا افزایش خواهد یافت.

بازده تولیدی کار را نباید با شدت کار اشتباه کرد. شدت کار، عبارت است از کار انجام شده در هر واحد زمان. هرچه میزان کار انجام شده در یک واحد زمان بیشتر باشد، تعداد محصولات تولید شده بیشتر ولی ارزش یک واحد از محصولات تغییری نخواهد کرد، زیرا در اینحالت مقدار بیشتری کار که انجام یافته، بر تعداد بیشتر محصولات که تولید شده است، سرشکن می گردد.

مقدار ارزش یک کالا به درجه پیچیدگی و ترکیب کار، یعنی این که آیا کار تخصصی است یا غیر تخصصی، بستگی دارد. کار کارگری که هیچ گونه آموزش خاصی ندیده است، کار ساده و غیر تخصصی، است. کاری که نیازمند تعلیمات مخصوصی باشد، کار تخصصی یا مرکب است.

کار مرکب در هر واحد زمان بیشتر از آنچه کار ساده ارزش به وجود می آورد، خلق ارزش می کند. به همین دلیل مارکس می گوید: "کار مرکب کار ساده ای است که به درجه ای بالاتر ترقی یافته و چند گانه شده است." در تولید کالائی که به اساس مالکیت خصوصی قرار گرفته باشد، تبدیل انواع گوناگون کار (مانند کاری که متضمن درجات مختلف تخصص و مهارت است و کار با بازده تولیدی متغیر) به یک مقیاس واحد، یعنی کار مجرد که ارزش کالا را تشکیل می دهد، در بازار وقتی که کالا در حال فروش است، خود به خود صورت می گیرد. ارزش وسیله بیان روابط تولیدی بین تولید کنندگان کالا، یعنی نمایشگر مبادله دو جانبه کار و فعالیت آنها می باشد. لیکن در ظاهر امر، این روابط به صورت روابط بین اشیاء پدیدار می گردند.

ادامه دارد...

بر گرفته از کتاب علم اقتصاد، نوشته ای: پ نیکی تین